

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

## مدینه فاضله در مثنوی مولانا

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علیرضا نبی لو

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر احمد رضایی جمکرانی

نگارنده:

سیما فلسفی تنکابنی

زمستان ۱۳۸۸

## تشکر و قدردانی:

حمد و سپاس خدایی را که توفیق کسب دانش و معرفت به من عطا فرمود.  
در اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که مرا در تحصیل علم و معرفت و فضایل اخلاقی یاری نموده‌اند تقدیر و تشکر نمایم.  
از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر علیرضا نبی‌لو که در انجام پژوهش و اتمام این پایان‌نامه نهایت مساعدت و همراهی را نموده‌اند، کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.  
از جناب آقای دکتر احمد رضایی جمکرانی، استاد مشاور پایان‌نامه که با راهنمایی‌های خود مرا مورد لطف قرار داده‌اند نهایت تشکر را دارم.  
از پدر و مادر عزیزم که در تمامی ایام زندگی و تحصیل همراه و پشتیبان من بودند نیز سپاسگزارم.

## چکیده

هدف از این تحقیق، بررسی دیدگاه مولانا در خصوص «مدینه فاضله» از طریق جستجو در آرای وی در کتاب مثنوی معنوی است. همچنین به منظور آشنایی با پیشینه موضوع، آرای دو صاحب‌نظر مهم در این حوزه یعنی افلاطون و فارابی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نشان دادیم که بر خلاف دو متفکر نامبرده که مستقیماً به بررسی موضوع آرمانشهر پرداخته و ابعاد سیاسی و طبقات اجتماعی آرمانشهر مورد نظر خود را به تفصیل بیان کرده‌اند، مولانا افکار خود در مورد آرمانشهر را به صورت ضمنی و غیرمستقیم و در خلال بحث از موضوعات دیگر مطرح می‌کند. لذا آرای مولانا در مورد مدینه فاضله را باید به عنوان قسمتی از سپهر اندیشه وی و در کنار سایر مبانی جهان‌بینی او در نظر گرفت.

مولانا مدینه فاضله خود را نه بر مبنای ساختار سیاسی و طبقاتی خاص، بلکه بر مبنای خصایص و فضائل اخلاقی تک‌تک ساکنان آن بنا می‌کند. در اندیشه مولانا هر شخص در هر شغل و مقام اگر در کسب مراتب کمال بکوشد و دنباله‌روی بزرگان و صاحبان مقامات معنوی باشد، شایسته حضور در مدینه فاضله است. در این مدینه ریاست با انبیاء و اولیای الهی است و راه ورود به این مدینه نیز اتصال پیروی از آنان است. مدینه فاضله مولانا مدینه‌ای اخلاقی است و به نوعی حدفاصل جهان مادی و خاکی با عالم غیب است. جایی که انسان به طور موقت از آن دور افتاده است و همواره از این جدایی شکایت می‌کند. ساکنان آرمانشهر مولانا همواره اصل خود را به یاد دارند و با فرارفتن از تمنیات مادی ارتباط خود را با عالم غیب حفظ می‌کنند. مولانا در آرمانشهر خود جایگاهی برای فیلسوفان، که پیرو عقل منفعت‌جوی جزئی هستند، قائل نیست و بالعکس عشق را رهنمای موفقیت و رسیدن به سرمنزل مقصود می‌داند. در یک کلام، مدینه فاضله مولانا را می‌توان مدینه‌ای اخلاقی بر پایه تعالیم عالیة اسلامی دانست.

**کلمات کلیدی:** مدینه فاضله - فارابی - افلاطون - مثنوی - مولانا - عالم غیب.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه .....	۱
<b>فصل اول: کلیات و پیشینه مدینه فاضله</b>	
۱- کلیات .....	۴
۲-۱. مدینه فاضله افلاطون .....	۵
۱-۲-۱. عالم مثل؛ زیربنای مدینه فاضله افلاطون .....	۸
۱-۲-۲. چگونگی پیدایش مدینه فاضله افلاطون و طبقات سه گانه آن .....	۸
۱-۲-۳. دولت فیلسوفان .....	۱۰
۱-۲-۴. فیلسوف کیست؟ .....	۱۱
۱-۲-۵. تربیت و انتخاب فیلسوفان .....	۱۱
۱-۲-۶. تعلیم و تربیت در آرمانشهر افلاطون .....	۱۳
۱-۲-۶-۱. جایگاه شعر و موسیقی .....	۱۳
۱-۲-۶-۲. جایگاه تربیت بدنی .....	۱۴
۱-۲-۷. عدالت .....	۱۴
۱-۲-۸. حکومت حقیقی و حکومت های منحط .....	۱۷
۱-۲-۹. رساله مرد سیاسی .....	۱۸
۱-۲-۱۰. سلسله مراتب حکومت ها .....	۱۸
۱-۲-۱۱. هنر سیاست راستین .....	۱۹
۳-۱. مدینه فاضله فارابی .....	۲۰
۱-۳-۱. ویژگی های مدینه فاضله فارابی .....	۲۱
۱-۳-۲. رئیس مدینه فاضله فارابی .....	۲۲
۱-۳-۳. سعادت، هدف مدینه فاضله فارابی .....	۲۴

- ۲۵ ..... ۴-۳-۱. زیربنای مدینه فاضله فارابی
- ۲۶ ..... ۵-۳-۱. مدینه های غیر فاضله
- ۳۰ ..... ۴-۱. مقایسه مدینه فاضله در دیدگاه فارابی و افلاطون

### فصل دوم: آشنایی با زندگی و آثار مولانا

- ۳۲ ..... ۱-۲. زندگینامه مولانا
- ۳۵ ..... ۲-۲. آثار مولانا

### فصل سوم: مدینه فاضله مولانا

- ۳۸ ..... ۱-۳. مقدمه ای بر مدینه فاضله مولانا
- ۳۹ ..... ۲-۳. عالم غیب و ارتباط آن با آرمانشهر مولانا
- ۴۰ ..... ۱-۲-۳. اوصاف و ویژگی های عالم غیب در مثنوی
- ۴۴ ..... ۲-۲-۳. تقابل عالم حس و عالم غیب
- ۴۸ ..... ۳-۲-۳. عالم غیب؛ عالمی پنهان
- ۴۹ ..... ۴-۲-۳. راه های دستیابی به عالم غیب
- ۵۲ ..... ۵-۲-۳. تمثیلات عالم غیب
- ۵۵ ..... ۶-۲-۳. رهیافتگان به عالم غیب و مطرودین از آن
- ۵۸ ..... ۳-۳. انسان
- ۶۰ ..... ۱-۳-۳. پیشینه انسان کامل
- ۶۲ ..... ۲-۳-۳. انسان از منظر مولانا
- ۷۱ ..... ۳-۳-۳. ویژگی های انسان کامل در آرمانشهر مولانا
- ۸۰ ..... ۴-۳-۳. ضرورت وجود پیر و مرشد برای ورود به مدینه فاضله مولانا
- ۸۳ ..... ۵-۳-۳. چگونگی شناخت انسان کامل
- ۸۷ ..... ۴-۳. جایگاه اخلاق در مدینه فاضله مولانا

- ۱-۴-۳ فضایل اخلاقی ..... ۸۹
- ۱-۴-۳ خلق نیکو ..... ۸۹
- ۲-۴-۳ ادب ..... ۹۰
- ۳-۴-۳ صدق ..... ۹۴
- ۴-۴-۳ قناعت ..... ۹۶
- ۵-۴-۳ توکل ..... ۹۷
- ۶-۴-۳ شکر ..... ۹۸
- ۷-۴-۳ مدارا ..... ۹۹
- ۸-۴-۳ صبر و حلم ..... ۹۹
- ۹-۴-۳ جود و سخا ..... ۱۰۱
- ۲-۴-۳ رذایل اخلاقی ..... ۱۰۱
- ۱-۲-۴-۳ تکبر ..... ۱۰۱
- ۲-۲-۴-۳ خودبینی (عجب) ..... ۱۰۲
- ۳-۲-۴-۳ عیب جویی ..... ۱۰۳
- ۴-۲-۴-۳ حرص ..... ۱۰۳
- ۵-۲-۴-۳ ریا ..... ۱۰۶
- ۶-۲-۴-۳ حسد ..... ۱۰۷
- ۷-۲-۴-۳ خشم ..... ۱۰۸
- ۳-۴-۳ صفات بینابینی ..... ۱۰۹
- ۱-۳-۴-۳ غفلت ..... ۱۰۹
- ۲-۳-۴-۳ مدح ..... ۱۱۰
- ۵-۳ جایگاه عقل و عشق در مدینه فاضله مولانا ..... ۱۱۱
- ۱-۵-۳ عقل ..... ۱۱۱
- ۲-۵-۳ عشق ..... ۱۱۸

۱۲۷	.....	۳-۵-۳. برتری عشق بر عقل در مدینه فاضله مولانا
۱۲۹	.....	۳-۶. جایگاه فلسفه و فیلسوفان در مدینه فاضله مولانا
۱۳۴	.....	نتیجه گیری
۱۳۹	.....	فهرست منابع و مآخذ



## مقدمه

### الف) موضوع تحقیق:

مدینه فاضله از مفاهیمی است که در هر فرهنگ و تمدنی پیشینه و طرفدارانی دارد؛ مانند مدینه فاضله و شهر خوبی‌های افلاطون. در ادبیات ایرانی - اسلامی نیز این مفهوم مورد نظر نویسندگانی نظیر فارابی و دیگران بوده است. عرفان اسلامی در تبیین این مفهوم نکات ارزشمندی دارد. مولوی به عنوان سرآمد شاعران عارف و عرفانی‌سرا در مثنوی شریف خود به این مفهوم عنایت خاصی دارد. در این شهر اصول و قواعدی وجود دارد که طریقه زندگی عارف و وظایف او را تبیین می‌کند. این رساله در صدد توصیف و بیان ویژگی‌های مدینه فاضله از نگاه مولوی در مثنوی است.

### ب) اهمیت موضوع:

موضوع مدینه فاضله، موضوع مهمی است که از دیرباز مورد توجه عالمان دین، سیاست، اخلاق و عرفان در جوامع مختلف بوده است. جستجوی مدینه فاضله در لابه لای متون نظم و نثر، پژوهشگر را با نتایج جالب توجهی مواجه می‌کند و این جستجو اگر در میان متون عرفانی صورت پذیرد، نتایجی به مراتب متفاوت‌تر و ارزشمندتر از سایر متون را حاصل می‌کند. از آن جا که مولانا در میان شاعران عارف سرآمد است و اثر ارزشمند او، مثنوی از جمله بزرگترین کتب عرفانی محسوب می‌شود، از این رو تبیین مدینه فاضله در این اثر از اهمیت بالایی برخوردار است.

### پ) اهداف:

آشنایی با دیدگاه مولانا در مورد ویژگی‌ها و مشخصات شهر آرمانی مدّ نظر او مهم‌ترین هدف این رساله است.

## ت) پرسش‌های پژوهش

- ۱- نمای کلی مدینه فاضله از نگاه مولوی در مثنوی چگونه است؟
- ۲- وظایف مردمان در مدینه فاضله چیست؟
- ۳- آیا هر کسی در هر طبقه‌ای صلاحیت حضور در این مدینه فاضله را دارد؟
- ۴- چه قواعد و معیارهایی در این مدینه فاضله باید رعایت شود و چه مواردی طرد شدنی است؟
- ۵- مولوی از چه مفاهیمی در راستای این موضوع بهره گرفته است؟
- ۶- چه تفاوتی میان دیدگاه مولوی با دیدگاه گذشتگان در مورد مدینه فاضله وجود دارد؟

## ث) فرضیه‌ها:

- ۱- تصویر و نمای مدینه فاضله در مثنوی قابل ترسیم و تبیین است.
- ۲- عارفان و سالکان در این مدینه فاضله وظایف سنگین و مهمی دارند.
- ۳- طبقاتی می‌توانند به این مدینه فاضله وارد شوند که به مرز انسان کامل برسند.
- ۴- بسیاری از قواعد و معیارهای دنیای مادی در این شهر راه ندارد و برای خود مقررات خاصی دارد.
- ۵- مولوی با بهره‌گیری از مفاهیمی نظیر انسان کامل، ادب، صبر، حلم، توکل، عشق و غیره دیدگاه خود را در این باب بیان می‌کند.
- ۶- مولوی این مفهوم را از نگاهی عارفانه و فراتر از دید معنوی فلسفی و زاهدانه ترسیم می‌کند. بنابراین سعادت و کمال انسان را در ورود به این شهر خوبی‌ها می‌داند.

## ج) پیشینه تحقیق:

در ارتباط با آثار مولانا علی‌الخصوص مثنوی تحقیقات فراوانی صورت گرفته است، همچنین درباره مدینه فاضله آثار متعددی به رشته تحریر در آمده است؛ اما پژوهشی که از تلفیق این دو موضوع تحت عنوان "مدینه فاضله در مثنوی" باشد تا کنون صورت نگرفته است. گفتنی است بررسی موضوع

مدینه فاضله در آثار ادبی پیش از این نیز به عنوان رساله های کارشناسی ارشد انجام شده است. از جمله مدینه فاضله در آثار عطار، سنایی و ناصر خسرو.

### **چ) روش تحقیق:**

در انجام این تحقیق از روش کتابخانه ای بهره گرفته شده است. در اولین مرحله فیش برداری از کتب مرتبط با موضوع مدینه فاضله و پیشینه آن صورت گرفته است و در مرحله بعد از ایات مرتبط با این موضوع در مثنوی فیش برداری شده است. در مرحله نهایی طبقه بندی فیش ها منطبق با سرفصل های عالم غیب، انسان، اخلاق، عقل، عشق، فلسفه و فیلسوفان انجام شده است.

## فصل اول: کلیات و پیشینه مدینه فاضله

### ۱-۱. کلیات

دستیابی به سعادت و کمال و زیستن در بهترین شرایط، آرزوی دیرینه بشر بوده و هست. گذر از آن چه "هست" و رسیدن به آن چه "باید باشد" همواره متفکران و دانشمندان جهان را مجذوب خود ساخته و در هر دوره و عصری، عده ای برای دستیابی به سعادت و کمال، با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی خود به ترسیم شهری آرمانی پرداخته‌اند.

ساکنان این شهر آرمانی در بهترین شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زندگی می‌کنند و همه چیز در بهترین حد خود در این شهر موجود است. این سرزمین آرمانی که در زبان و ادبیات عرب "مدینه فاضله" خوانده می‌شود، در زبان فارسی معادل "آرمانشهر" است و در زبان لاتین "یوتوپیا" نام نهاده شده است. (utopia نام اثر معروف "تامس مور" اندیشمند انگلیسی نیز هست).<sup>۱</sup> وجه اشتراک اکثر این آرمانشهرها معترض بودنشان به شرایط و اوضاع زمانه است؛ گویی هدف ترسیم‌کننده مدینه فاضله از یک سو معرفی و شناساندن یک نظام آرمانی برای دستیابی به سعادت و کمال بوده و از سوی دیگر وسیله‌ای برای زیر سؤال بردن نظام سیاسی و اجتماعی موجود است.

نکته قابل توجه دیگر درباره بسیاری از مدینه‌های فاضله، "دست نیافتنی" بودن آن هاست؛ دکتر عبدالحسین زرین کوب در این باره می‌گوید: «آن چه تمام این طرح‌ها را جنبه غیر عملی، وهمی و پنداری می‌دهد و تقریباً در تمام آن‌ها نیز مشترک هست این است که طراح غالباً دنیای آینده را بلاواسطه بر روی دنیای حال می‌نهد و مدینه فاسده یا جاهله را بی فاصله با مدینه فاضله مربوط می‌کند اما هیچ نمی‌کوشد نشان دهد تحوّل مدینه فاسده به مدینه فاضله از کدام راه تحقق می‌یابد و آن چه توالی آن‌ها را سبب تواند شد کدام است؟»<sup>۲</sup> اما حتی با در نظر گرفتن این موضوع نیز از ارزش و

۱. ر.ک. تامس مور، **آرمانشهر (یوتوپیا)**، (ترجمه داریوش آشوری - نادر افشار نادری)، چاپ دوم، (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۳).

۲. عبدالحسین زرین کوب، **تاریخ در ترازو**، چاپ ششم، (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱)، صص ۲۳۲-۲۳۳.

اهمیت این آرمان خواهی ها کاسته نمی شود و بر عکس این موضوع از آن جا که انگیزشی برای حرکت و خیزش آدمی برای رسیدن به تکامل محسوب می شود؛ ارزشمند می نماید.

اولین و مشهورترین بنیانگذار مدینه فاضله «افلاطون» است. این فیلسوف یونانی در اثر معروف خود، «جمهوری» و در بخش هایی از رساله های «تیمائوس» و «کریتیاس» و همچنین در رساله «مرد سیاسی» آرمانشهر خود را به تصویر کشیده است.

در میان دانشمندان جهان اسلام نیز «فارابی» نخستین اندیشمندی است که در دو کتاب «اندیشه های اهل مدینه فاضله» و «سیاست مدینه» قدم در راه تبیین آرمانشهر اسلامی نهاده است. غیر از او نیز «ابوالحسن عامری» در کتاب «السعاده و الاسعاده» و نیز «نظامی گنجه ای» در «اسکندرنامه» مدینه های فاضله ای بنا نهاده اند.

از نویسندگان زیر می توان به عنوان «آرمانشهر نویسان» مسیحی اشاره کرد: «گوستین قدیس» با نوشتن کتاب «شهر خدا»، «توماس مور» با «یوتوپیا»، «فرانسیس بیکن» با «آتلانٹیس نو»، «توماسو کامپانلا» و ...

از آن جا که پرداختن به تمامی آرمانشهرها و تبیین جزئیاتشان امکان پذیر نیست؛ مختصراً در این مجال از «مدینه فاضله افلاطون» و «مدینه فاضله فارابی» به عنوان نخستین ها در نوع خود یاد می کنیم و پس از آن به «مدینه فاضله مولانا» خواهیم پرداخت.

## ۱-۲. مدینه فاضله افلاطون

در کتب متعدد سیاسی و فلسفی، از افلاطون (۳۴۸-۴۲۸ ق م) به عنوان «نخستین معمار مدینه فاضله» یاد می شود. او در حدود سه قرن پیش از میلاد مسیح طرح مدینه فاضله خود را با نوشتن رساله «جمهوری» ارائه کرد و در آن به توصیف چگونگی پیدایش آرمانشهر، وظایف طبقات سه گانه آن و «عدالت» که اصلی ترین موضوع این آرمانشهر است پرداخت. در میان آثار متعدد او، «جمهوری»، شاهکار وی به حساب می آید؛ چرا که بیشتر اندیشه های خود را در آن مطرح می سازد آن چنان که

امرسن می گوید: «کتابخانه ها را بسوزانید و تنها این کتاب را باقی بگذارید، زیرا چکیده همه آن ها در این کتاب جمع است.»<sup>۱</sup>

افلاطون زمانی به طرح مدینه فاضله خود می پردازد که در دو وضعیت روحی متضاد قرار گرفته است. «یکی، دلزدگی شدید نسبت به احوال سیاسی موجود و رنجی که از وقوع جنگ ها، رواج بد اخلاقی ها و شیوع کشتارها در دل دارد. و دیگری، دل بستگی او به یونان، به خصوص آتن که آن را مظهر عزت و عظمت جامعه یونانی می داند با همان پایگاه فاخری که شهر در نظر یک یونانی اصیل دارد.»<sup>۲</sup> او در کتاب جمهوری، علاقمندی خود را به جامعه اسپارت که ویژگی بارزش انضباط آن بود ابراز می دارد و آن را بر سایر حکومت های یونانی ترجیح می دهد؛ هرچند که تمامی ویژگی های آن را مورد قبول نمی داند. او همزمان دموکراسی آتن را که در آن تمام شهروندان دولت شهر شایسته اداره دولت بودند و شرط داشتن استعداد و دانش سیاسی در آن نادیده گرفته می شد نمونه نظام سیاسی حقارت بار می داند و مورد سخت ترین انتقادات قرار می دهد.<sup>۳</sup>

ذکر این نکته جالب توجه است که بعضی از نظرات افلاطون در کتاب جمهوری چون اندام واری اجتماع با افکار و عقاید ایرانی و هندی مطابقت دارد؛ به نحوی که گویی «حکیم یونانی مواد و عناصر اصلی آراء خود را از مشرق زمین گرفته و با قریحه توانای خویش بدان ها نظام فلسفی و منطقی داده است.»<sup>۴</sup>

افلاطون در جای جای کتاب جمهوری، خود به دست نیافتنی بودن مدینه فاضله اش اشاره می کند و بر این باور است که عمل همواره از حقیقت دور است و ممکن نیست چیزی همان گونه که با سخن می توان توصیفش کرد، به مرحله عمل درآید. او به تمامی کسانی که سخنش را نمی پذیرند حق می دهد و دست نیافتنی بودن این آرمان شهر را دلیلی بر ضعف سازندگان ایده آن نمی داند و بدین ترتیب « طرح آرمانی افلاطون بدون تحقق یافتن بر روی زمین باقی می ماند.»<sup>۵</sup>

۱. هنری توماس، **بزرگان فلسفه**، (ترجمه فریدون بدره ای)، چاپ چهارم، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۴۹.

۲. سید محمد خاتمی، **از دنیای شهر تا شهر دنیا (سیری در اندیشه سیاسی غرب)**، چاپ اول، (تهران، نشر نی، ۱۳۷۳)، صص ۵۰-۵۱.

۳. سون اریک لیدمان، **تاریخ عقاید سیاسی از افلاطون تا هابرماس**، (ترجمه سعید مقدم)، چاپ اول، (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۱)، صص ۲۷-۲۹.

۴. فتح الله مجتبابی، **شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان**، چاپ اول، (تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان، ۱۳۵۲)، ص ۴۱.

۵. معصومه روح الله، **در آمدی بر جمهوری افلاطون**، چاپ اول، (تهران: انتشارات یاس بنفش، ۱۳۸۳)، ص ۸.

البته رضا داوری اردکانی بر این باور است که تردید افلاطون در باب تحقق پذیر بودن یا نبودن آرمانشهرش نشان از بی‌اهمیتی این امر در نظر او نیست و از آرمانشهر او، آرمانشهری رویایی و وهمی نمی‌سازد. چرا که «از یک طرف، افلاطون به عنوان یک متفکر، تفکرش تابع مصلحت‌اندیشی نیست، یعنی به قصد تأثیر در واقعیت سیاست زمانه آن را نوشته است. از سوی دیگر، یک نظم عقلی را طرح می‌کند که در آن هر چیز و هر کس باید به جای خود باشد و قدرت مدینه هم به این نظم تعلق دارد. پس مدینه افلاطون، هم گذشت از تفکر موجود و وضع مدینه بی‌نظم و پر آشوب زمان اوست و هم تعلق به آینده دارد.»<sup>۱</sup>

هر چند اکثر مورخان، جمهوری افلاطون را کتابی آرمانشهری می‌دانند با این حال "فرودریک رویون" معتقد است که «جمهوری جایگاهی عمیقاً بیگانه با آرمانشهر دارد»<sup>۲</sup> ولی با این حال خود به این امر اذعان دارد که «اگر جمهوری افلاطون، آرمانشهر نیست نیای بلا فصل و تردید ناپذیر آن است؛ چرا که بیشتر آرمانشهرها جز تعبیری نوین از دیدگاه‌های افلاطونی نیستند.»<sup>۳</sup>

ناگفته نماند که افلاطون علاوه بر جمهوری در دو رساله دیگرش به نام‌های "تیمائوس" و "کریتیاس" به مدینه فاضله توجه دارد. او در این دو اثر داستان سفر سولون - داناترین دانایان هفتگانه - به ایالت سائیس واقع در مصر و برخورد او با یکی از کاهنان را مطرح می‌کند و در آن از قول کاهن به نقل شرایط یونان در نه هزار سال پیش از زمان خود می‌پردازد و آنان را اصیل‌ترین و شریف‌ترین اقوام انسانی به حساب می‌آورد که صاحبان بهترین نظام‌های سیاسی بودند و از سه طبقه کاهنان، سپاهیان و پیشه‌وران تشکیل شده بودند. تربیت روحی برای آنان از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود و علوم طبیعی، هنر پیشگویی و علم پزشکی از جمله دانش‌های برجسته آنان به حساب می‌آمد. یونان در آن زمان از حیث قدرت و توان نظامی در حدی بود که توانست «نیروی جنگی بزرگی را که در دریای آتلانتیس در یک زمان به آسیا و اروپا هجوم آورده بود در هم شکنند.»<sup>۴</sup>

۱. رضا داوری اردکانی، **اوتوبی و عصر تجدد**، چاپ اول، (تهران: نشر ساقی، ۱۳۷۹)، ص ۱۷.

۲. فرودریک رویون، **آرمانشهر در تاریخ اندیشه غرب**، (ترجمه عباس باقری)، چاپ اول، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۵)، ص ۱۸۹.

۳. همان، ص ۱۹۰.

۴. محمد حسن لطفی، **دوره آثار افلاطون**، چاپ سوم، (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰)، ج ۳، رساله تیمائوس، ص ۱۷۲۰.

شبهات های فراوانی که میان مدینه فاضله ترسیم شده در "جمهوری" و شرایط یونان کهن به چشم می خورد، کریتیاس - نقل کننده این حکایت - را به اذعان این موضوع وامی دارد که آرمانشهر آرزوها همان یونان کهن است .

### ۱-۲-۱. عالم مثل، زیربنای مدینه فاضله افلاطون

دریافت اندیشه های سیاسی افلاطون مستلزم درک مفهوم "مُثل" - یکی از مهم ترین آراء فلسفی او - است. او در ترسیم مدینه فاضله اش به دنبال ایجاد جامعه ای است که از دگرگونی ها برکنار باشد؛ چرا که دگرگونی ها را نشانه دوری از کمال و دلیلی بر نقص و عیب می شمارد. افلاطون در رساله "جمهوری" راه رهایی از مشکلات و درد های اجتماعی را رسیدن به "ثبات مطلق" می داند و "نظریه مثل" را وسیله ای برای تبیین این راه به سوی مقصود معرفی می کند.

بر طبق مثل افلاطونی هر چه در این دنیا وجود دارد دارای اصل و حقیقتی است که سرمشق و نمونه کامل اوست و درک آن با حواس ناممکن است. حقیقت و اصالت تنها به مثل اختصاص دارد و محسوسات دنیایی از دسته عوارض محسوب می شوند و گذرنده اند. او معتقد است « هر چیز صورت یا مثالش حقیقت دارد و آن یکی است و مطلق و لا یتغیر و فارغ از زمان و مکان و ابدی و کلی. و افرادی که به حس و گمان ما در می آیند نسبی و متکثر و متغیر و مقید به زمان و مکان و فانی اند و فقط پرتوی از مثل خود می باشند و نسبتشان به حقیقت مانند نسبت سایه است به صاحب سایه و وجودشان به واسطه بهره ای است که از مثل یعنی حقیقت خود دارند و هر چه بهره آن ها از آن بیشتر باشد به حقیقت نزدیک ترند.»<sup>۱</sup>

بدین ترتیب افلاطون مدینه فاضله خود را آن گاه محقق شده می یابد که در آن همه چیز به اصل و حقیقتش در عالم مثل نزدیک باشد و در نهایت کمال به ثبات مطلق رسیده باشد.

### ۱-۲-۲. چگونگی پیدایش مدینه فاضله افلاطون و طبقات سه گانه آن

<sup>۱</sup> . محمد علی فروغی، سیر حکمت در اروپا، چاپ دوم، (تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۴)، ص ۳۲.



افلاطون توضیحات خود را دربارهٔ یک جامعه یا شهر که در نهایت به مدینهٔ فاضله منتهی می‌شود، با شرح چگونگی گرد هم آمدن افراد برای برپا کردن شهر آغاز می‌کند. او منشأ تأسیس یک جامعه را احتیاجات اقتصادی مردم می‌داند و به دو علت عمده برای این امر اشاره می‌کند: علت نخست را توانایی محدود هر کس برای برآوردن همهٔ نیازهای خود می‌داند و علت دوم را استعدادهای مختلفی که طبیعت در نهاد هر یک از افراد بشر نهاده، می‌شمرد.

از این روی هر یک از افراد بشر در این دولت‌شهر ابتدایی به شغلی خاص که در حیطهٔ استعداد اوست مشغول است و بدین ترتیب نیاز جامعهٔ خود و دیگر جوامع را بر آورده می‌سازد. این شهر، تا اینجا جامعهٔ کشاورزان، چوپانان، پیشه‌وران، مزدوران، بازرگانان، ملاحان، بافندگان و ... است و اصل تقسیم کار در این شهر حاکم است. دولت‌شهر ابتدایی افلاطون ملزومات نخستین بشر یعنی خوراک و پوشاک و مسکن را فراهم می‌آورد. در این شهر مالکیت خصوصی مجاز است و اثری از حاکمیت و محکومیت دیده نمی‌شود.

این جامعه هنوز آرمانشهر افلاطونی نیست، از این رو برای نزدیک تر شدن به آن، توسعهٔ این شهر ضروری است. با ازدیاد جمعیت و تنوع احتیاجات، جامعه به سمت تجمل‌گرایی می‌رود. به وجود آمدن نیازهایی که فراتر از حد نیازهای جامعه سالم است از نظر افلاطون، بیماری جامعهٔ بشری محسوب می‌شود؛ اما همین ویژگی هاست که جامعه را به سمت مدینهٔ فاضله سوق می‌دهد.

بنابراین می‌توان گفت: «برخی از نتایج صحیح در بطن یک روش خطا نهفته است. به عبارت دیگر این مرحلهٔ تجمل که در حیات شهریان ظهور می‌کند، گرچه فی نفسه نوعی انحراف از مسیر پیشرفت است ولی به هر حال برای ایجاد و برانگیختن کمال حقیقی ضرورت دارد. در نظر افلاطون قانون‌های صحیح و معتدل برای ادارهٔ امور اجتماعی شهرها فقط موقعی ابتکار می‌شوند که جامعه در نتیجهٔ تعقیب هدفهای صحیح تجملی بیمار شده باشد و برای علاج این بیماری خود را به داشتن قوانین صحیح و مذهب، نیازمند احساس کند.»<sup>۱</sup>

در چنین شرایطی است که جامعه به مکان وسیع تری نیاز پیدا می‌کند و ازین رو باید کشور های ضمیمه را به محدودهٔ خویش بیافزاید و بدین ترتیب جنگ آغاز می‌شود. در این زمان نیاز به طبقه ای به

---

<sup>۱</sup> مایکل برسفورد فاستر، **خداوندان اندیشهٔ سیاسی**، (ترجمه جواد شیخ الاسلامی)، چاپ پنجم، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰)، ج ۱، ص ۸۵.

نام " پاسدار " احساس می‌شود. آنان موظفند تمام نیروی خود را مصروف این امر گردانند و به هیچ شغل دیگری اختصاص نداشته باشند.

در این طبقه میان زنان و مردان تفاوتی نیست و زنان دوشادوش مردان به فعالیت می‌پردازند. درباب نظام اشتراکی مالکیت آنان ذکر این نکته ضروری است که نباید این نظام را با " کمونیزم " یکی تلقی کنیم؛ « زیرا افلاطون به هیچ روی به مالکیت مشترک وسایل تولید، معتقد نیست و درست آن است که بگوییم او پاسداران را نه به مالکیت مشترک بلکه به چشم پوشی از مالکیت فرا می‌خواند.»<sup>۱</sup>

بعد از این دو طبقه، یعنی پیشه‌وران و پاسداران، طبقه فرمانروایان قرار دارد. افراد این طبقه از میان پاسداران برگزیده می‌شوند و پس از طی آزمایش‌های گوناگون به این مرحله می‌رسند و از دیگر پاسداران مسن‌ترند. اینان پاسداران حقیقی‌اند و کسانی که تاکنون پاسدار خوانده می‌شدند ازین پس دستیار و یاور زمامداران به حساب می‌آیند. پاسداران حقیقی خود را مسؤول حفظ جامعه می‌دانند و خدماتشان به صلاح جامعه است. آنان از امور زیان‌آور به حال جامعه می‌پرهیزند و عقیده خود را بهتر از دیگران حفظ می‌کنند.

### ۱-۲-۳. دولت فیلسوفان

با بیان سه طبقه تشکیل دهنده جامعه افلاطونی، یعنی زمامداران که صاحبان جوهر زرین‌اند، پاسداران که از جوهر سیمین برخوردارند و کشاورزان و پیشه‌وران که مایه وجودی‌شان از آهن و برنج است؛ به تصویر کشیدن آرمانشهر افلاطونی هنوز به اتمام نرسیده است؛ بلکه اصلی‌ترین بخش آن یعنی زمامدار شدن فیلسوفان همچنان محقق نشده باقی مانده است.

افلاطون بر این باور است که: «هیچ کشور و هیچ قانون و هیچ فردی به مرحله کمال نخواهد رسید؛ مگر آنکه فیلسوفان، یعنی آن عده انگشت شمار که امروز عاقل و بی‌فایده شمرده می‌شوند، به نحوی از انحاء که خواه به میل و گاه بر خلاف میل خود، زمام دولت را به دست گیرند و خود را وقف خدمت به جامعه سازند؛ یا اینکه خداوند اشتیاقی راستین به فلسفه حقیقی در درون شاهان یا پسران شاهان و فرماندهان بدمد.»<sup>۲</sup>

۱. حمید عنایت، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب ( از هر اقلیت تا هابز)، چاپ دوم، ( تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴)، ص ۴۳.

۲. محمد حسن لطفی، ص ۱۰۳۶

## ۱-۲-۴. فیلسوف کیست؟

فیلسوف راستین و حقیقی که دوستدار دانش است، در جستجوی تمامی دانش‌هاست؛ نه جزئی از آن‌ها. او که مشتاق به نظاره حقیقت است، توانایی دریافتن هستی‌تغییرناپذیر سرمدی را داراست؛ حال آن که دیگران در عالم کثرت و دگرگونی سرگردانند و از این توانایی بی‌بهره. ذوق و اشتیاق او در بستر دانایی و شناسایی جریان می‌یابد و اوست که لذت روحی برایش بزرگترین لذت‌ها محسوب می‌شود و نسبت به لذات جسمی بی‌اعتناست.

او که هم دانش نظری و هم تجربه و توانایی لازم را در خود جمع می‌کند، از دروغ و فریب بیزار است و راستی و حقیقت را دوست دارد. او اعتدال، خویشنداری و دوری از حرص و مال‌اندوزی را سرلوحه عمل خویش قرار داده است. از فرومایگی بری است و از مرگ نمی‌هراسد. در برابر مردم مهربان و سازگار است. حافظه‌ای نیرومند دارد و در آموختن چابک و سریع است. او همواره در جستجوی تناسب و اعتدال و زیبایی است.

فیلسوف واقعی به سعادت هم‌وطنان خود می‌اندیشد. جاه و مقام ظاهری در نظرش بی‌ارزش است و راستی و پاداش را به مراتب برتر از آن می‌داند و عدالت را برترین و ضروری‌ترین چیزها می‌شمارد. او که «همواره با عالمی منظم و الهی سر و کار دارد خود نیز تا آن جا که برای طبیعت بشری امکان پذیر است منظم می‌شود و جنبه ای الهی می‌یابد»<sup>۱</sup>

افلاطون در آرمانشهر خود، نامحرمانی را که گستاخانه در حریم فلسفه رخنه کرده‌اند و توده مردم را به دیده دشمنی می‌نگرند راه نمی‌دهد. فیلسوف نمایانی که سبب شدند مخالفان فلسفه، فیلسوفان را مردمانی رذل و فاسد و بی‌فایده برای جامعه و دولت تلقی کنند و بدین ترتیب اسباب بدنامی فلسفه را فراهم آورند.

## ۱-۲-۵. تربیت و انتخاب فیلسوفان

---

<sup>۱</sup>. همان، ص ۱۰۳۷.

کسانی که به درجه فیلسوفی نائل می‌گردند، از میان پاسداران حقیقی برگزیده می‌شوند و « برخلاف زمامداران دولت پاسداران، باید از تربیت واقعی بهره‌ور شوند نه از تربیت موقت.»<sup>۱</sup>

کسانی که برای زمامداری آرمانشهر افلاطون در نظر گرفته می‌شوند علاوه بر موسیقی و ورزش در حساب و هندسه و نجوم نیز تربیت یافته‌اند. آموختن این علوم صرفاً برای انجام محاسبات نیست بلکه هدف اصلی یادگیری این علوم، گذر از عالم صیوروت و رسیدن به جهان حقیقت است. « گویی دانش‌های مقدماتی این اثر را دارند که شریف‌ترین جزء روح به عالم بالا راهنمایی می‌شود تا بتواند شریف‌ترین چیز را در عالم هستی راستین مشاهده کند.»<sup>۲</sup>

بدین ترتیب نامزدان زمامداری کسانی هستند که تن و روان سالمی دارند و صاحبان فضیلت‌اند. آنان در سن سی سالگی پس از رضایت بخش بودن رفتارشان، برای پرورش در "دیالکتیک" پذیرفته می‌شوند. "دیالکتیک" حدّ نهایی دانش‌ها به حساب می‌آید و آن کس که توانایی درک هستی راستین و ماهیت حقیقی هر چیز را داراست؛ اهل "دیالکتیک" محسوب می‌شود. از شرایط مهم دستیابی به این دانش استعداد طبیعی و ثبات قدم است. دوره تحصیل و مطالعه در این زمینه پنج سال است. آنان پس از این مقطع به غار فرستاده می‌شوند و موظفند به خدمات نظامی بپردازند و رهبری جوانان را به عهده بگیرند. آنان در این دوره که پانزده سال به طول می‌انجامد به انجام خدمات و تمرینات سخت و مبارزه با وسوسه‌های گوناگون مشغول‌اند. اتمام دوره کارآزمودگی، مقارن با پنجاه سالگی آنان است و ازین پس روح آنان متوجه روشنایی حقیقی‌ای که تمام روشنی‌ها از آن است خواهد شد.

آنان در این مرحله به دیدار "نیک" نائل می‌شوند و آن را سرمشق خود قرار می‌دهند و به پیروی از آن نه تنها زندگی شخصی خود، بلکه زندگی اجتماع و افراد آن را سامان می‌بخشند.

ایده "نیک" «موضوع عالی‌ترین دانش‌ها»<sup>۳</sup> است که در پایان کار به یاری دیالکتیک دریافته می‌شود. "نیک" هم علت شناسایی مبتنی بر عقل است و هم علت آن حقیقتی است که شناخته می‌شود و با این حال خود "نیک" حقیقتی به مراتب عالی‌تر و زیباتر از هر دوی آنهاست.

۱. کارل بورمان، افلاطون، (ترجمه محمد حسن لطفی)، چاپ اول، (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۵)، ص ۱۹۶.

۲. محمد حسن لطفی، ص ۱۰۸۰.

۳. همان، ص ۱۰۴۴.